

۳. برخی از بزرگان بر مرحوم اصفهانی اشکال کرده اند که ملاک ایجاد ذی المقدمه می تواند «تمکن از ذی المقدمه باشد». ایشان می نویسند:

«ان التمکن علی الشیء ذی المقدمات يتصور عرفا علی نحوین:

أحدهما: التمکن بالواسطة، و ذلك قبل الإتيان بمقدماته التي يتمکن علی الإتيان بها، فانه يقال عرفا انه يتمکن علی ذی المقدمه و لكن بواسطة، لأنه لا يستطيع إعمال إرادته فی ذی المقدمه بلا واسطه.

ثانيهما: التمکن عليه بدون واسطه، بحيث يستطيع إعمال إرادته فيه بلا واسطه، كما لو جاء بالمقدمه فانه يتمکن من إعمال إرادته فی ذیها بلا واسطه المقدمه.

و عليه، فيمكن ان يدعى كون الغرض من المقدمه هو حصول التمکن علی الواجب بالمعنى الثانى و هو التمکن بلا واسطه، و هو يتوقف علی وجود المقدمه لا علی التمکن منها كما عرفت.»^۱

ما می گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش ایشان آن است که ملاک وجوب مقدمه، «ایجاد تمکن بی واسطه» است یعنی عقل می

گوید چون باید به ذی الواسطه برسی مقدمه را به جای آور که «تمکن بی واسطه» به دست آوری.

۲. اما این سخن قابل نقض است - چنانکه در آنچه گفتیم (که ملاک وجوب مقدمه می تواند «اتمام امکان

استعدادی» باشد) نیز این اشکال جاری است - به این بیان که: عقل حکم به ایجاد تمکن بی واسطه یا

اتمام امکان استعدادی نمی کند بلکه عقل می خواهد ذی المقدمه حاصل شود و چون بی مقدمه نمی

شود، به مقدمه هم امر می کند و لذا آنچه ملاک وجوب مقدمه است، همان صفت ثبوتی است که لازمه

اش استلزام عدمی است.

۱. منتقى الأصول، ج ۲، ص ۲۹۳.



نقد مرحوم امام بر برهان دوّم مرحوم آخوند (ب):

حضرت امام پس از تبیین برهان دوّم آخوند آن را رد کرده و می نویسند:

«و منها أنّ الإیصال لیس أثر کلّ مقدّمة، فلا بدّ من الالتزام إمّا باختصاص الوجوب بالأسباب التولیدیة، أو الالتزام بوجوب الإرادة، و هو التزام بالتسلسل.

و الجواب: أنّ المراد بالإیصال أعمّ من الإیصال مع الواسطة، فالقدم الأوّل بالنسبة إلى الحجّ قد یكون موصلاً و لو مع الوسائط إليه، أي يتعقّب الحجّ، و قد لا یكون كذلك، و الواجب هو الأوّل.»^۱

توضیح:

۱. مرحوم آخوند می فرمود: اینکه مقدمه موصله را واجب می دانند باطل است چراکه «ایصال» اثر همه مقدمات نیست بلکه فقط اثر اسباب تولیدیه است و اگر کسی بگوید در مسببات غیر تولیدیه هم، بالآخره علّت تامّه موجود است مرحوم آخوند می فرماید، علّت تامّه در غیر تولیدیه ها عبارت است از «مقدمه + اراده ذی المقدمه» و این مجموعه نمی تواند، مأموریه باشد، چراکه «اراده» نمی تواند واجب شود.

۲. مرحوم امام پاسخ می دهند:

اولاً: «ایصال» گاهی ایصال بی واسطه است (مثل علّت تامّه) و گاهی ایصال با واسطه است (مثلاً رفتن در مسیری که به حج منتهی می شود، هر قدمش ایصال با واسطه است) پس هر مقدمه ای که در آینده، ذی المقدمه بر آن مترتب شود (و لو اینکه مقدمات دیگر به آن ضمیمه شود) موصله است و لازم نیست «مجموع علّت تامّه» را موصل بدانیم [پس: برای اینکه هر مقدمه واجب شود، لازم نیست که کل مقدمات را با هم لحاظ کنیم و آن ها را علّت تامّه به حساب آوریم تا اشکال شود که چون یکی از «کل مقدمات» اراده است و اراده نمی تواند واجب باشد، پس «مجموعه مقدمات» نمی تواند واجب باشد]

[ما می گوئیم: احتمالاً همین نکته مورد نظر مرحوم خویی هم هست و همین اشکال هم بر مرحوم آخوند وارد کرده است:

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۹۵.



«و غير خفى ان ملاك الوجوب الغيرى قائم بخصوص ما يكون توأمأ و ملازمأ لوجود الواجب فى الخارج من ناحية وقوعه فى سلسلة مبادئ وجوده بالفعل لا بمطلق المقدمة و ان لم تقع فى سلسلتها، و لا بخصوص الأسباب التوليدية، فالطهارة من الحدث أو الخبث مثلا ان وقعت فى سلسلة مبادئ وجود الصلاة فى الخارج فهى واجبة و الا فلا، مع انها ليست من الأسباب التوليدية بالإضافة إلى الصلاة.»^[١]



١ . محاضرات فى أصول الفقه (طبع دار الهادى)، ج ٢، ص ٤١٦.

